

# چگونه يك دانشمند غزنه، بوجود سه قوه دولت رای داد؟

و از روی آیات قرآنی مبداء سه قوه دولت را کشف کرد؟

آیا شرقیان درین مفکوره سیاسی بر غربیان پیش قدمند؟

در عصر کنونی بعد از دوره رنسانس، که آغاز ترقیات فکری بشر است، در علم سیاست و حقوق، مبادی جدیدی وضع شد، و انقلاب کبیر فرانس و انقلابهای برطانیه که بغرض حق طلبی بروز کردند، در ملل مترقی غرب، مبادی فکری دولت را نیز عملاً تغییر دادند، باین معنی که بشر بعد از جهد طویل موفق شد، که در تشکیل يك دولت سه قوه دیموکراسی یعنی قوه اجرائیه و تقنینیه و قضائیه از هم منفک بسازد، و حکومت یعنی قوه انتظام و اجرا را از قضا و عدل جدا گرداند.

دانشمندان سیاست، از قبیل منتسکیو صاحب روح القوانین، و روسو نویسنده پیمان اجتماعی، و دیدرو و دیگران، درین نموی فکری بشر جهدی عظیم کردند، و مبادی استواری را وضع کردند.

منتسکیو تحقیق کرد: که دولت خواه جمهوری باشد خواه شاهی سه وظیفه دارد: اول قانون گذاری (قوه مقننه) دوم اجرای قانون (قوه مجریه) سوم حق گذاری بر طبق قانون (قوه قضائیه).

و برای اینکه مقصود از حکومت که حفظ آزادی و امن است بخوبی حاصل شود، این سه قوه از هم جدا باشند، و بکار یکدیگر مداخله نکنند، تا قدرت حکومت تعدیل شود. چه هرگاه قانون گذاری با اجرای قانون یا با حق گذاری یا هر سه طبقه با هم یکجا جمع شوند، بیم آنست که قوانین ظالمانه وضع شود، و ظالمانه اجرا گردد. در واقع جمع این سه قوه در یکجا، در نتیجه مانند بی قانونی است.

( سیر حکمت در اروپا - مرحوم فروغی ج ۲ )

باین ترتیب منتسکیو فکری به بشر آروز داد، و امروز فروغ همین فکر است که امریکا و اروپا به مشعل تابناک آزادی روشن اند، و حکومت مردم بر مردم از طرف مردم، انسان را در زندگانی خود به پیشرفتهای گوناگون رسانیده است.

امروز اگر امریکا دم از مردی و مردمی میزند، برکت همین اصل است. اگر انگلستان شیپور آزادی می نوازد، نیز بر همین اصل اصیل متکی است، در هیچ مملکتی انسان خوش بخت و شادکام شده نمی تواند، تا در سیاست آن مملکت اصل عمده حکومت مردم حکم فرما نباشد.

در دنیا از زمان قدیم مردم فکور پیدا شدند، مصلحین آمدند، پیغمبران و رهنمایان مبعوث شدند، اگر بودا

در هند علم اصلاح انسان را برداشت، حضرت عیسی در سرزمین مقدس مشعل هدایت بر افروخت، و در برخی از ملل علما و دانشمندان نیز علم اصلاح و ریفارم بدوش گرفتند، مثلاً سقراط و افلاطون و ارسطو در سرزمین دانش خیز یونان افکاری را بمردم تلقین کردند، که میتوان از روی آن بدین اصل پی برد، که این دانشمندان معظم انسانیت در عالم سیاست و چگونگی حکومت رهنمائی های مفیدی را به بشر نموده اند. ولی اسلام دینی بود: که متکفل امور دین و دنیای بشرگشت، و قرآن عظیم مشعل هدایت را پیش روی بشر بر افروخت، و در سیاست هم صراط المستقیم را به انسان تعلیم داد.

وقتی من درین فکر بودم که آیا در قرآن عظیم راجع به تقسیم دولت بر سه قوه هدایتی وارد است یا نه؟ اگر چنین چیزی نیست، پس آیا قرآن عظیم که کتاب زندگانی است، چه هدایتی را درین باره بما داده باشد؟ واقعات تاریخ اکثر متکرر است، و مجاری فکر بشری گاهی بسیار بهم شبیه است، و شما در شگفت خواهید ماند، که همین فکر را تقریباً نهصد سال پیش، یکی از مفکرین غزنی در عصر سلطان محمود نیز کرده بود.

این مفکر و منشی بلخ ابوالنصر محمد بن عبدالجبار العتبی است، که در ری بدنیا آمد و در خراسان بمرتبت کمال رسید، و در انشای عربی آیتی بود، و در حضرت سبکتگین با ابوالفتح بستی به شغل کتابت پرداختی، و مدتی هم در نیشاپور بخدمت شمس المعالی بودی. وی کتاب تاریخ الیمینی را بنام یمین الدوله سلطان محمود غزنه بسال ۴۱۵هـ نوشت، و این کتاب در احوال عصر سبکتگین و سلطان محمود مرجع مورخین است، و در صنعت انشا و ترسل زبان تازی، سرآمد آثار بشمار می آید.

العتبی برین تاریخ مقدمه ای می نویسد و گوید: که همواره مرا بخاطر می گذشت که معنی قول پروردگار را بدانم، که در قرآن عظیم فرموده است:

ولقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتب و المیزان ليقوم الناس بالقسط، و انزلنا الحديدفیه باس شدیدو منافع للناس .... (الایه).

العتبی گوید: که آیا در آیه فوق، چرا کتاب و میزان و حدید را با وجود تنافر ظاهری و عدم مناسبت بهم جمع کرده؟

درین باره از علمای بزرگ، پرسش کردم، و کسی نتوانست جوابی دهد مقنع و کافی.

بعد از آن با خود فکر کردم، که کتاب شریعت، و دستور احکام دینی است که مصالح ابدان و نفوس بدان مربوطست و حدود را معین کند.

اما انسان در حیات بعدالت و تساوی و دفع ظلم، نیز ضرورت دارد، و انتظام زندگانی در حالت ستم بريك دیگر میسر نیست، و این مقصد بزرگ را خداوند اکبر در آیت ( و السما رفعها و وضع المیزان ان لا تطغوا فی المیزان، و اقيم الوزن بالقسط ولا تخسروا المیزان) روشن فرموده است.

سماً مبدءاً ارزاق و اقوات است، و انواع حیوب و نبات و اغذیه یی مردم و نفقه یی زندگانی از آن حاصل

آید، و تقسیم آن در بین بشر بوجه انصاف ضرورت افتد، و خداوند کریم اندرین آیه به اقامه میزان عدالت و قسط آن امر فرمود.

پس وجود میزان عدالت و تساوی و انصاف در آیت دوم دلیلی است، که بدون آن کار مردم خلل پذیرد، و هم ازین رو در آیت اول آنرا با کتاب یکجا ذکر کرد.

اما برای اثبات اوامر الهیه و شریعت، و اقامه حدود، وجود قوه سیف نیز لازم است، که خدا بآن، بأس شدید، داد، و اهل سیف سلطان (بمعنی دارای سلطه و اقتدار) مردم اند، و خلیفه الله سلطان همواره از سیف کار می گیرد.

این بود روح مطلب مورخ دانشمند العتبی که از مقدمه کتابش برداشتیم، گویا این دانشمند فکور، کتاب و میزان و حدید را بسه چیز تعبیر کرد:

۱. شریعت و دستور که در عصر کنونی قانون و اصول گویند، و مدار کار قوه تقنین است یعنی پارلمان.

۲. میزان که قوه عدالت و حافظ تساوی و دافع ظلم است، اکنون قوه عدلیه یا قضائیه گوئیم.

۳. حدید که سلطان مردم است، و برای اجرای اوامر کتاب و شریعت کار می کند، و اکنون قوه اجرائیه گویند، گویا به تعبیر العتبی هر سه قوه دولت و ضرورت آن، با کلمات موجزی در قرآن عظیم آمده، و وی هم هشت صد سال پیش از منتسکیو به بیان آن پرداخته بود، ولی ما مسلمانان اکنون درس دیموکراسی را از فرنگ میگیریم: سالها دل طلب جام جم از ما می کرد آنچه خود داشت، از بیگانه تمنا میکرد

منتسکیو بعد از چندین قرن فکری کرد، که العتبی قبلا بشرح آن پرداخته بود، و قرآن عظیم ۱۳۸۰ سال قبل، همان مشعل را برای تنویر فکر و زندگی بشر افروخته بود.